

آتشکده نقاره‌خانه، جایگاه مغان ماک؟

دکتر رویا تاج‌نخس* و میلاوندانی**

* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان
** دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

چکیده

در مطالعات نوین و در فرآیند بررسی‌های باستان‌شناسی، اهداف گوناگونی طراحی می‌شود. از جمله با مطالعه بناها، مسائلی چون سبک‌ها و ویژگی‌های معماری، شرایط اقتصادی، قدرت دولت حاکمه، میزان علائق و رویکردهای مردمی به مذهب و غیره را می‌توان بیشتر دریافت. دوره ساسانی دوره‌ای از تاریخ ایران است که توجه به آیین زرتشتی و حساسیت به مسائل و رخداد‌های مذهبی در رأس امور شاهان آن قرار داشته و پژوهش در این دوره دلایل این رویکرد را تا حدودی روشن می‌سازد. بر همین اساس نگارندگان با ارائه طرح پژوهشی «بررسی باستان‌شناختی و تحلیل پراکنش چهارطاقی‌های دوره ساسانی غرب و جنوب غربی استان فارس»، اقدام به سه فصل بررسی باستان‌شناختی در زمستان ۱۳۹۰ و بهار و تابستان ۱۳۹۱ کردند. دستاورد این پژوهش شناسایی ۱۸ چهارطاقی حد فاصل شهرهای بالاده و فراشند تا فیروزآباد بود. در این مقاله، به بررسی و گاهنگاری یکی از شاخص‌ترین و سالم‌ترین چهارطاقی‌های این منطقه با نام «مجموعه چهارطاقی نقاره‌خانه» پرداخته شده است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی سبک‌شناسی معماری چهارطاقی نقاره‌خانه و قیاس آن با نمونه‌های مشابه و همچنین تاریخ‌گذاری آن جهت افزودن نمونه‌ای شاخص در میان این گونه بناهای معماری است. روش تحقیق به صورت میدانی و کتابخانه‌ای بود، بر این اساس نخست این اثر شناسایی، سپس نقشه‌برداری شد و نمونه‌برداری از سفال‌های آن انجام گرفت. در مرحله کتابخانه‌ای، مقایسه این اثر با نمونه‌های هم‌زمان جهت تاریخ‌گذاری صورت پذیرفت. بر اساس پژوهش انجام شده مشخص گردید که این چهارطاقی به دوره ساسانی و اوایل اسلام یعنی به سده‌های ۵ تا ۹ میلادی تعلق دارد.

واژگان کلیدی: چهارطاقی، آتشکده، نقاره‌خانه، فراشند، دین زرتشتی، ساسانیان.

درآمد

ساسانی ماندگار است. معماری یک دوره را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، بناهای مذهبی و غیر مذهبی؛ بناهای مذهبی دوره ساسانی را آتشکده‌ها، برج‌های خاموشی و غیره تشکیل می‌دهند، و بناهای غیر مذهبی شامل: کاخ‌ها، قلعه‌ها، کاروانسراها، خانه‌های اربابی و غیره است. یکی از رایج‌ترین روش‌های معماری این دوره را می‌توان شکل چهارطاقی دانست که ریشه

شاهنشاهی ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م) را می‌توان یکی از پررونق‌ترین و طلایی‌ترین دوره‌های فرهنگ، هنر و معماری در تاریخ و باستان‌شناسی ایران دانست. در این میان معماری، یکی از شاخص‌ترین عناصر به جای مانده از این سلسله است که آثار آن با گذار بیش از ۱۵۰۰ سال، در گوشه و کنار ایرانشهر

واحد همدان، طی یک طرح پژوهشی مجزا با عنوان: «بررسی باستان‌شناختی و تحلیل پراکنش چهارطاقی‌های دوره ساسانی غرب و جنوب غربی استان فارس» به پژوهش در این باره پرداخته‌ایم. همچنین اشاره طبری (۱۳۸۴) به ساخت آتشکده‌هایی توسط «مهر نرسی» وزیر بهرام گور، ما را بر آن داشت تا به دنبال این باشیم که آیا نظریه‌ای که گدار (گدار، ۱۳۸۷: ۸۴-۱۱)، به پیروی از هرتسفلد (گدار، ۱۳۸۷: ۳۴) درباره وجود این آثار، در منطقه حدفاصل بین بالاده و فراشبند مطرح کرده است، درست است یا خیر.

طی سه فصل بررسی باستان‌شناسی در زمستان ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱، نگارندگان موفق به شناسایی ۱۸ چهارطاقی حدفاصل شهرهای بالاده تا فیروزآباد شدند که در نگاه نخست می‌توان نظریه گدار را رد کرد و نظریات دیگری را در این باره به اثبات رساند اما در این مقاله تنها به معرفی یکی از شاخص‌ترین و سالم‌ترین چهارطاقی‌های موجود در منطقه یعنی «نقاره‌خانه» که نامی محلی است خواهیم پرداخت.

چهارطاقی (آتشکده)

چهارطاقی، شاخص‌ترین سبک معماری دوره ساسانی است که پلان آن پس از ساسانیان و به ویژه در مساجد اسلامی مورد استفاده قرار گرفت (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۱: ۴۷-۱۸). این بناها را امروزه به نام آتشکده می‌شناسیم، اما کاربری بناهایی به صورت آتشگاه، ابداع دوره ساسانی نبوده است. پیش از این بناهای عیلامی از قرن ۱۳ ق.م در چغازنبیل خوزستان (آمی، ۱۳۸۴: ۵۳) و از دوره ماد مربوط به قرن ۷ ق.م در نوشیجان ملایر (Stronach et al., 1978: 1-28) وجود داشتند. همچنین در لایه‌های چهارم، سوم و دوم در «نوزی»، می‌توان پیش نمونه‌هایی از چهارطاق با ابعاد کوچک را مشاهده کرد (Star, 1939: 167).

در دوره هخامنشی نیز شکل‌های متفاوتی از بناهای آئینی وجود دارد که بیش از صدها سال به شکلی کم و بیش تغییر نیافته دوام آوردند. پیش نمونه سبک آتشکده‌های ساسانی و چهارطاقی را می‌توان در کوه خواجه سیستان (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۲۰-۲۰۰؛ Trudy et al., 1987: 13-52)، و همچنین قلعه ضحاک در

در دوره پارتی داشت، و در دوره ساسانی به شدت مورد استفاده قرار گرفت و سبک غالب در معماری این دوره گشت. چهارطاقی‌های ساسانی کاربری‌های مختلفی داشته‌اند که عموماً شاخص‌ترین کاربری آن را در آتشکده‌ها دانسته‌اند. با برگزیدن دین زرتشتی، نیاز به ترویج و تبلیغ این مذهب بیش از پیش به چشم آمد، بر همین اساس دستگاه دولتی دستور به ساخت آتشکده‌ها در جای‌جای ایران‌شهر ساسانی داد و حتی خود شاهان و بزرگان نیز اقدام به ساخت آتشکده‌ها با بهانه‌های مختلف کردند. از جمله ساخت آتشکده توسط شاپور اول برای همسر و فرزندانش (اکبرزاده و طاووسی، ۱۳۸۵: ۴۵) و یا کرتیر موبد دوره بهرام اول و دوم (همانجا) و یا ساخت آتشکده‌های چهار گانه توسط مهر نرسی برای پسرانش (طبری، ۱۳۸۴).

در این دوره علاوه بر احداث آتشکده‌های مهم و بزرگ مثل آتشکده آذرگشنسب در تخت سلیمان (Naumann, 1964: 619-802; Huff, 1974: 247) و یا آتشکده‌های آذربیزین مهر و آذر فرنیغ (دادگی، ۱۳۷۸)، چهارطاقی‌های فراوانی ساخته شده که در آن‌ها مراسم مذهبی برپا می‌گردید. در متون تاریخی به جا مانده از این دوره بارها به اخبار و یا دستور ساخت چهارطاقی‌ها توسط فرمانروایان و یا بلند مرتبگان برخورد می‌کنیم. نگاهی به پراکنش این چهارطاقی‌ها نشان می‌دهد که در دو یا حداکثر سه استان کشور تراکم این چهارطاقی‌ها بسیار و قابل گفتگو است، در استان فارس، حداقل در محدوده غربی آن یعنی فیروزآباد و کازرون، چهارطاقی‌های بسیاری گزارش شده است. کمیت این چهارطاقی‌ها در استان فارس به اندازه‌ای است که به نظر می‌رسد تعداد آن‌ها افزون بر نیاز جامعه در آن دوره باشد. تاکنون نقشه باستان‌شناسی کامل و مستندی از پراکنش و موقعیت این چهارطاقی‌ها در سطح استان مذکور تهیه نشده و این خلاء علمی کاملاً چشمگیر است. حجم انبوه این چهارطاقی‌ها در استان، فاصله مکانی آن‌ها از یکدیگر، ویژگی‌های معماری و مصالح به کار گرفته شده و پلان چهارطاقی‌ها و ملحقات آن‌ها از عمده مسائلی است که پاسخ به آن‌ها بخش‌های تاریخی از شرایط مذهبی و حکومتی این دوره را آشکارتر می‌سازد.

بر همین اساس نگارندگان با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی

تو هستند. در این تعریف، تمامی چهارطاقی‌هایی که دارای چفدهای جناغی، پنج و هفت، کلید آذری، انواع شاخ بزی، شبدری و طاق‌های رومی، چپله، آهنگ، دماغزه و غیره هستند به دوران اسلامی تعلق دارند. چهارطاقی‌ها نه تنها کاربری مذهبی و آتشکده داشته‌اند، بلکه نمونه‌هایی با کاربری‌های عام‌المنفعه متفاوت از جمله کاروانسرا، میل نمایانگر مسیر و مرکز نیز تعلیم و تربیت داشته‌اند.

اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۱ م.) در قلعه دختر (Huff, 1971: 171-127) و در کاخ خود در فیروزآباد (Siegler *et al.*, 1973: 20)، این معماری را در اندازه‌های وسیع و بومی رونق داد. پس از آن این پلان شاخص با سقف گنبدی، رایج‌ترین سبک معماری ساسانی و ایرانی گشت. آنچه به آتشکده‌های دوره ساسانی مربوط می‌شود این است که تعداد نسبتاً زیاد نیایشگاه‌های به دست آمده تا امروز، بسیار جلب نظر می‌کند. در این بین به عنوان تحول تازه و اساسی برای بناهای دینی ساسانی نام «چهارطاقی» مرسوم گشت.

نمونه‌های فراوانی از پلان چهارطاقی با دالان طواف کشف شده است، از جمله می‌توان به آتشکده‌های شیان (رضوانی، ۱۳۷۴: ۷۴)، میل میله‌گه (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۵)، چن‌ژی‌ه ایلام (Vanden Berghe, 1977: 182-184)، جولیان (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۷۷-۸۸)، بازه هور (Huff, 1989: 20)، تخت سلیمان (Huff, 1983: 293-295)، چهارطاق داراب (Miroshedji, 1980: 157-160)، چهارطاق پشت‌کوه (Vanden Berghe, 1977: 171-175)، قنات باغ (Vanden Berghe, 1984: 201-220)، چهارقاپو در قصر شیرین (Vanden Berghe, 1984: 201-220)، آتشکده آتشکوه (Godard, 1938: 7-80) تنگ چک‌چک فارس (Vanden Berghe, 1961: 180)، سیاه کل (Vandae & Jafari, 2012: 1-14) چهارده خوزستان (Stein, 1936: 65-68)، سلطان‌آباد کرمان (Vanden Berghe, 1968: 94)، رهنی (Vandae *et al.*, 2012: 105-114) و یکی از سالم‌ترین این مجموعه‌ها یعنی چهارطاقی نیاسر (Hardy, 1938: 163-166) اشاره کرد.

پراکنش جغرافیایی چهارطاقی‌ها در سرتاسر خاک امروزی

آذربایجان (Rawlinson, 1841: 120; Kleiss, 1973: 163) متعلق به دوره پارسی دنیال کرد.

آتشکده‌های ساسانی عموماً با پلاتی مشابه ساخته می‌شدند که چهارطاقی گنبددار در مرکز بنا بر پا می‌شد، سپس دیگر اجزاء ساختمان از جمله تالارها و اتاق‌ها پیرامون این هسته اصلی ساخته می‌شد. بناهای چهارطاقی دارای پلان‌های متفاوت هستند. چهارطاقی‌های ساسانی کاربری‌های مختلفی داشته‌اند که البته عموماً شاخص‌ترین کاربری آن‌ها را در آتشکده‌ها می‌دانسته‌اند. دیرتیش هوف در تعریف چهارطاقی آورده است که برجسته‌ترین نشانه‌های سبک ساختمانی چهارطاقی، محراب مربع شکل، چهارستون داخلی، راهروی مسقف در دور بنا و همچنین پیوند آتشگاه (آتشدان) و محل آئین‌های عمومی در یک طرح کلی ساختمانی برای این مجموعه توسعه یافته از نیایشگاه‌های آتش در ایران است (Huff, 1990: 634-642)، اما نگارندگان با وجود هم نظری نسبی با تعریف هوف، تعریف متناسب‌تری برای چهارطاقی‌های ساسانی دارند زیرا تعریف هوف، بسیار کلی است و تمامی چهارطاقی‌های دوران اسلامی را نیز در بر می‌گیرد. چهارطاقی‌های ساسانی را می‌توان بناهایی مربع شکل دانست که از چهار تا یک طرف دروازه ورودی که توسط طاق‌های هلالی شکل یا همان کلیدهای پارسی^۱ به پایه‌های منتهی در هر ضلع مربع متصل می‌شوند قرار دارند، در بالای هر یک از این پایه‌ها، بنا توسط فیلیوش‌ها به بشن^۲ یعنی قسمتی که روی زمینه تهرنگ متصل به فیلیوش‌ها بالا می‌آید متصل می‌شود و با چفد^۳ شدن به یکدیگر در یک مربع کوچکتر و هندسی، در بالا با چپیره شدن^۴ مصالح بر روی یکدیگر تشکیل گنبدی گرد را می‌دهند. در نمونه‌هایی تالار طواف پیرامون چهارطاقی توسط راهروهایی که گرد بنای اصلی قرار دارند و سقف آن‌ها با طاق کلیدی پوشانده شده است قرار دارد و در نمونه‌های دیگر فاقد تالار طواف پیرامون چهارطاقی هستند. چهارطاقی‌ها بناهایی هستند که عموماً در میانه مجموعه‌هایی گسترده قرار داشته‌اند و متشکل از اتاق‌ها، تالارها و راهروهای تو در

۱- پرژن آرک Persian Arch، چفد ایرانی

۲- Bashn، بند، هیکل

۳- Chaf، قوس، دور

۴- Chaptra، دور هم جمع شدن

نیز مجموعه بناهای پوزه کامروی^۳ به فاصله ۳ کیلومتر و مجموعه چهارطاقی تُل جنگی به فاصله ۶ کیلومتر هستند. احتمالاً در زمان ساسانیان مجموعه‌های دیگری نیز پیرامون این اثر قرار داشته‌اند که متأسفانه امروزه از بین رفته‌اند.

مصالح به کار رفته

مهم‌ترین مصالح به کار رفته در این بنا، قلوه سنگ، ساروج، گچ و ملاتی از خشت و گل است. این مصالح بوم‌آورد هستند، و در دیگر چهارطاقی‌ها و آثار این منطقه نیز استفاده شده‌اند. اما استفاده در این حجم و به بار آوردن وزن عمرانی بسیار بر بنا به دلیل علاقه ساسانیان به باشکوه و عظیم ساختن بناهای ایشان، به ویژه بناهای سلطنتی و مذهبی است.

توصیف مجموعه چهارطاقی

چهارطاقی نقاره‌خانه، مجموعه‌ای گسترده بوده که امروزه تنها بخش چهارطاقی و گنبد آن نسبتاً سالم باقی مانده است. شاید نهادن نام چهارطاقی که در تصور عامه مردم بنایی منفرد می‌نماید بر این گونه بناها اشتباه باشد، زیرا تمامی این چهارطاقی‌ها متشکل از بخش‌های متعدد بوده‌اند که بنای چهارطاقی بخشی از آن است و از بیرون بنا، تنها گنبد آن قابل مشاهده بوده است (تصویر ۳).

این مجموعه متشکل از چهار طبقه ساختمانی است که چهارطاقی، در قسمت اصلی، چهارم و جنوبی آن قرار دارد. منظور از چهار طبقه ساختمانی براساس معیارهای معماری امروزی نیست، بلکه در این مجموعه آثار معماری در چهار سطح بنا شده‌اند که نسبت به هم اختلاف ارتفاع داشته و آثار معماری هر سطح که کاربری متفاوت نیز دارند، به وسیله پله با یکدیگر مرتبط هستند.

بخش چهارطاقی که نسبتاً سالم است بر پای کوه قرار دارد و به همراه تالار طواف پیرامونش که بخشی از آن بر روی صخره‌های کوه قرار گرفته، طبقه چهارم این مجموعه را تشکیل می‌دهد (تصویر ۴). در سطح پایین‌تر، حیاط و تعدادی فضاهای معماری قرار دارد که طبقه سوم را شامل می‌شود و از طریق پله

ایران، نشانگر گسترش دین زرتشتی در سرزمین‌های تحت فرمانروایی ساسانیان است (تصویر ۱).

پیشینه پژوهش

تنها باستان‌شناسی که درباره این اثر پژوهشی انجام داده لویی واندنبرگ است که حد فاصل سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۰ میلادی به بررسی باستان‌شناسی این منطقه، به ویژه چهارطاقی‌های ساسانی پرداخته است (Vanden Berghe, 1961: 185). پس از واندنبرگ شیمان در کتاب خود و براساس همان یافته‌های واندنبرگ از این اثر یاد می‌کند (Schipmann, 1971: 135).

موقعیت جغرافیایی

شهر فراشبند واقع در استان فارس در ۱۷۲ کیلومتری غرب شیراز قرار دارد. ارتفاع این شهرستان بین ۷۵۰ تا ۸۵۰ متر از آب‌های آزاد جهان است. این ارتفاع باعث گردیده تا آب و هوایی گرم و خشک این منطقه را در بر گیرد. به احتمال فراوان، در زمان ساسانیان آب و هوا این منطقه بسیار معتدل‌تر بوده است زیرا امروزه بین ماه‌های خرداد تا آبان به دلیل گرمای فراوان حضور در این منطقه بسیار سخت است.

مجموعه چهارطاقی نقاره‌خانه نزدیک شهر فراشبند در طول 28.45.89 و عرض جغرافیایی 52.06.44، با ارتفاع ۸۲۷ متر از سطح آب‌های آزاد جهان قرار گرفته است. برای دسترسی به این اثر، می‌بایست جاده فراشبند به سمت شهر فیروزآباد را طی کرد که پس از ۵ کیلومتر به سه راهی حسین‌آباد - دهرم ختم می‌شود؛ با پشت سر نهادن ۶ کیلومتر از جاده فراشبند به شهر دهرم این بنا در ضلع راست جاده قابل رؤیت است (تصویر ۲).

در جنوب این مجموعه چهارطاقی، دو مجموعه چهارطاقی دیگر به نام‌های چهارطاقی خرمایک^۱ (برگرفته از نام نزدیک‌ترین روستا) به فاصله ۷ کیلومتر و چهارطاقی آناهیتا (رُهنی)^۲ به فاصله ۲۲ کیلومتر قرار دارند. نزدیک‌ترین چهارطاقی‌ها در شمال این بنا

Khormayak -۱

Rohni -۲

Pozekamrooe -۳

در ضلع شرقی حیاط به طبقه دوم که شامل اتاق‌ها و چاه آب است متصل می‌شود. آثار معماری سطح سوم در شرایط نامناسبی قرار داشته و آسیب فراوان دیده‌اند. این سه طبقه به وسیله یک حصار از طبقه اول که پایین این مجموعه قرار دارد جدا شده‌اند. دیوارهای اصلی مجموعه به دلیل قرار گرفتن اثر در پای کوه بسیار نامنظم ساخته شده و تقریباً شکلی شش ضلعی به خود گرفته‌اند. طول دیوارها در ضلع شرقی ۶۰ متر و در بخش غربی ۷۸ متر است. دیوار جنوبی به دو بخش تقسیم می‌شود و شامل ۴۶ و ۴۵ متر است که دیواری ۹۱ متری و نامنظم را تشکیل می‌دهند. بخش شمالی نیز متشکل از دو بخش جداست که دیوارهایی با طول ۶۵ متر (دیوار حیاط طبقه ۳) و ۴۸ متر (دیوار شمالی طبقه ۲)، طولی برابر با ۱۱۳ متر را بوجود آورده‌اند (تصویر ۵).

طبقه اول این مجموعه که به شدت آسیب دیده است، در سمت شمالی و پایین کوه قرار دارد که رج دیوارهای آن را می‌توان تا صد متری مجموعه نیز مشاهده کرد (تصویر ۶ و تصویر رنگی ۱۴)، در سمت غربی این مجموعه جاده آسفالت قرار دارد و در بخش شمالی نیز جاده‌ای خاکی واقع شده که به سمت مجموعه چهارطاقی پوزه کامرویی می‌رود. اختلاف ارتفاع این طبقه با طبقه چهارم حدود ۱۱ متر است که در سبک‌شناسی معماری دوره ساسانی منحصر به فرد است.

طبقه دوم در سمت راست (شرقی) چهارطاقی قرار دارد. در جنوب، شرق و غرب این طبقه اتاق‌هایی تو در تو با سقف‌هایی طاقی شکل، همانند حجره‌های کاروانسراهای دوره اسلامی قرار دارد که به یکدیگر متصل هستند (تصویر ۷ و تصویر رنگی ۱۵). تعداد این اتاق‌ها در بخش شرقی ۱۳ و در بخش جنوبی نیز ۱۳ عدد است که امروزه نیمه سالم هستند (تصویر ۸). اما اتاق‌های بخش غربی کاملاً مخروبه شده‌اند. در ضلع شمال غربی طبقه دوم پله‌های مرتبط‌کننده طبقات دوم و سوم به عرض ۳ متر قرار دارند و حد فاصل آن‌ها با دیوار شمالی نیز به طول ۱۷/۵ متر اتاق‌های همانند بخش‌های دیگر این طبقه تعبیه شده بودند. تمامی اتاق‌ها همانند یکدیگر و در مستطیلی با ابعاد ۲/۵×۴۰ متر ساخته شده‌اند. در بخش شمالی این طبقه به فاصله ۱۳ متری از پله‌ها چاهی به ابعاد ۲×۲ متر قرار داشته که امروزه با حجم آوار تخریبی، تقریباً پر شده

است.

قسمت شرقی و شمالی طبقه سوم شامل حیاطی می‌شود که کف آن با سنگ فرش تزیین شده بوده و بخشی از آن امروزه قابل مشاهده است (تصویر ۹). بخش غربی تا بالای طبقه چهارم و کوه کنار آن امتداد دارد که شامل اتاق‌ها و دالان‌هایی تو در تو بوده، اما این بخش از مجموعه امروزه کاملاً تخریب شده و به دلیل ریختن آوار بر روی یکدیگر امکان نقشه‌برداری از اتاق‌های آن مقدور نیست (تصویر ۱۰).

طبقه اصلی و چهارم که چهارطاقی بر روی آن قرار دارد برسکویی با اختلاف سه متر از طبقه سوم واقع شده است. دورتادور چهارطاقی تالاری طواف‌مانند و مربع شکل با اضلاع ۱۸/۲۶ متر قرار دارد که از هر چهار طرف و بوسیله پله می‌توانسته‌اند وارد آن شوند. بنای چهارطاقی در داخل این تالارهای طواف پوشیده بوده و تنها گنبد آن از بیرون قابل مشاهده بوده است. تنها دیوارهای بخش غربی تالارها باقی مانده و از بقیه اضلاع فقط رج دیوار قابل دیدن است (تصویر ۱۱ و نقشه ۱). عرض درهای ورودی به تالار طواف برابر ۱/۵ متر و عرض دیوارها ۱/۲ متر بوده است. نکته جالب، دیوار بخش جنوب غربی تالار است که بر روی صخره قرار گرفته و معمار بنا دستور به تخریب صخره نداده و اثر خود را بر روی آن ساخته است و تلاش کرده تا با ساخت سازه خود تا حد ممکن به شکل طبیعی صخره آسیبی نزنند. به احتمال ریشه این تفکر و روش معماری را می‌توان در فلسفه زرتشتی که تأکید فراوان به عدم آسیب‌رسانی به طبیعت را دارد جستجو کرد.

چهارطاقی شامل مربعی است که هر ضلع آن ۷/۸ متر است. دیوار پایه‌های هر بخش ۱/۷ متر از بیرون و ۴۰ سانتیمتر از داخل بنا با عرض دیواری برابر با ۱/۳ متری قرار دارد. حد فاصل هر یک از دو پایه نیز ۴/۴ متر است که در مقابل آنان درهای ورودی تالار تو در تو قرار داشته است (تصویر ۱۲).

ارتفاع پایه‌ها تا فیلبوش ۴/۳ متر و ارتفاع بنا با گنبد ۷/۳ متر است (تصاویر ۱۳ و ۱۴، نقشه ۲ و شکل ۱). پایه‌ها و زیر گنبد این چهارطاقی مرمت شده‌اند؛ البته به شکلی بسیار ناشیانه، زیرا از مخلوط آب و سیمان در زیر گنبد برای استحکام بخشی استفاده کرده‌اند که مغایر با مصالح به کار رفته در بنا است و امروزه دید

شمار می‌رفت (وندائی، ۱۳۹۰). سکه‌های متعدد ساسانی، شاه را در حال ستایش آتش در مقابل آتشدان نشان می‌دهند (ویدن گرن، ۱۳۸۱: ۵۹).

با بررسی مدارک بر جای مانده از مورخان باستانی مطالب فراوانی را درباره آتش و مراسم مربوط به آن و آتشکده‌ها آورده‌اند. چنانچه گدار به نقل از «هرودت» می‌گوید: «آن‌ها هیچ گونه بتی ندارند و قوانین آن‌ها ساختن بت را منع می‌کند و کسانی را که بخواهند آن کار را بکنند دیوانه می‌پندارند. مراسم قربانی را چنین تشریح می‌کند که پارس‌ها قربانگاه و معبد‌های مسقف بنا نمی‌کردند، بلکه مراسم دینی خود را در نقاط مرتفع و سرباز برپا می‌داشتند، چون کسی نذری برای قربانی به یکی از خدایان (خورشید، ماه، زمین، آتش، آب و باد) داشت، حیوان قربانی را به سادگی به چنین نقاطی می‌برد و مغانی را نیز خبر می‌کرد، چون به طور کلی چنین مراسمی انجامش بدون وجود مغان میسر نبود. چون قربانی تخت مراسمی ویژه با کارگزاری مغان انجام می‌شد. مغان بستری از علف به ویژه شبدر سبز می‌گسترده و گوشت قربانی را روی آن نهاده و ادعیه‌ای تلاوت می‌کرد» (گدار، ۱۳۸۷: ۱۵).

نظریات ما در مورد آتشکده‌های ساسانی به مطالعات «گدار» و «اردمن» باز می‌گردد. بنابر نظر آنان، این چهارطاقی‌ها بناهای مقدس و توسعه یافته، مکان‌های روبازی هستند که پیش از این ایرانیان جهت پرستش از آنان استفاده می‌کردند. این چهارطاقی‌ها از چهار طرف قابل رؤیت بودند. این نظریات مورد پذیرش همگان قرار نگرفت و افرادی چون واندنبرگ، گروپ و شپیمان این دیدگاه را مورد شبهه قرار دادند. علت تغییر این دیدگاه کاوش در چندین آتشگاه و از جمله کوه خواجه، تخت سلیمان، بندیان درگز و غیره بود که فرضیه آتشکده‌های ساسانی صرفاً دارای یک ساختار واحد هستند را با تردید مواجه کرد و مشخص شد که باید ساختارهای دیگری را نیز در پلان این بناها جستجو کرد (Huff, 1974: 247). با پژوهش‌های نگارندگان این سطور در منطقه فراشبند و فیروزآباد و بر روی ۲۰ چهارطاقی، نظریه واندنبرگ و هوف با دلایل بسیار مورد تأیید قرار گرفت که در جای مناسب به تشریح آن پرداخته خواهد شد.

بسیار نامناسی به آن داده است. معماری گنبد به گونه‌ای است که فیلیوش‌ها پس از پایه‌ها یک طبقه یک متری را تشکیل می‌دهند و گنبد بر این طبقه در وسط قرار گرفته است (تصویر ۱۵). همانند این گنبد را در چهارطاقی جره، خیرآباد، تنگ چک‌چک داراب و بازه هور خراسان با اندک تفاوت‌هایی می‌توان مشاهده کرد (نقشه ۳، شکل ۲، ۳ و ۴).

گاهنگاری و کاربری

مجموعه چهارطاقی نقاره‌خانه به دلیل موقعیت قرارگیری و فرم معماری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در داخل این مجموعه سفال‌هایی سیاه‌رنگ و شاخص به دست آمده که در تمامی چهارطاقی‌های این منطقه قابل پیگیری است و نشانگر استفاده‌ی آن‌ها در دوره ساسانی است. علاوه بر آن چند تکه سفال دوره اسلامی متعلق به قرن‌های ۷ تا ۱۰ میلادی نیز بدست آمد که احتمالاً می‌تواند گویای رونق این مجموعه حتی پس از انقراض ساسانیان باشد (تصویر ۱۶). علاوه بر سفال که یکی از مواد قابل توجه در ارائه گاهنگاری است، استفاده از گونه‌شناسی و سبک‌شناسی هنر و معماری دوره ساسانی، یکی دیگر از راه‌های تعیین گاه‌نگاری بناهای مجموعه است. یکی از ویژگی‌های معماری دوره ساسانی، استفاده گسترده از قلوه سنگ و ملات گچ است، لیکن مشاهده جدی که در منطقه فراشبند وجود دارد، فراوانی استفاده از سنگ و ساروج به دلیل بوم‌آورد بودن آن در منطقه است. جهت رفع این معضل استفاده از شیوه‌ها و سبک‌های معماری و همچنین پلان‌های خاص و از جمله پلان‌های استاندارد آتشکده‌ها و آتشگاه‌های دوره ساسانی در انجام این مقایسه بسیار راهبردی است. همچنان که اشاره شد، پلان چهارطاقی با دالان طواف یکی از سبک‌های ویژه معماری مذهبی این دوره است که در سال‌های اخیر چندین نمونه از آن کشف شده است و با در بررسی منطقه مورد نظر و کشف بناهای متعدد با این پلان، می‌توان به خوبی قرارگیری تالار طواف را در این بناها ثابت کرد.

چنان که می‌دانیم، آتش نماد اورمزد از مصادیق عالی ستایش در عهد ساسانی بود و مذهب مزدایی و یا صورت اصلاح یافته جدیدش، دین زرتشتی، مذهب رسمی زرتشتیان به

برآیند

همانگونه که آورده شد، سبک‌شناسی و مقایسه این مجموعه بنا با آتشکده و چهارطاقی‌های دوره ساسانی، از جمله جولیان، بازه هور، چهارطاقی داراب و غیره نشانگر شباهت چهارطاقی نقاره‌خانه با نمونه‌های همزمان بوده و می‌توان گفت که این اثر متعلق به دوره مذکور است. همچنین قرارگیری تالار طواف پیرامون چهارطاقی اصلی یکی از اصلی‌ترین دلایل کاربری این اثر به عنوان آتشکده است که کاروانسرا و یا پایگاه نظامی بودن آن را منتفی می‌کند، البته کاوش در این محوطه یاری‌رسان ما در شناخت هر چه بهتر آن خواهد بود.

چهارطاقی نقاره‌خانه می‌تواند آتشکده‌ای برای تعلیم و تربیت هیربدان و موبدان زرتشتی بوده باشد که «مغان اندرزید» (آموزگاران مغ) پس از آموزش، آنان را به مناطق مختلف شاهنشاهی برای ترویج دین زرتشتی می‌فرستادند. همچنین بناهای تودرتوی موجود در طبقه دوم که همانند حجره‌های مراکز آموزش دوره اسلامی است تأییدی بر این مطلب هستند. احتمالاً طبقه نخست این مجموعه، مکان استراحت و خوابگاه هیربدان و موبدان جوان بوده که در طبقه دوم کلاس درس و آموزش آنان قرار داشته است. طبقات سوم و چهارم نیز مربوط به موبدان و هیربدان با درجات بالاتر بوده است که احتمالاً جایگاه رئیس آتشکده‌های بزرگ با عنوان «مغان مگ» (maguan magu) (کریستن‌سن، ۱۳۸۴: ۱۲۹) هم در این طبقه بوده. مغان می‌توانستند در این بناها مناسک روزانه از جمله اجرای احکام طهارت، گوش سپردن به اعترافات گناهان، بستن گستی، اعیاد مذهبی و غیره را برای مردم منطقه برگزار کنند که ذکر تمامی آنان در کتاب دینکرد آورده شده است (Dresden, 1966). این نکته تنها یک فرضیه است که توسط نگارندگان بیان می‌شود و با حفاری‌های مدون و برنامه‌ریزی شده می‌توان درباره تایید و یارد آن به خوبی سخن گفت.

نکته دیگری که در این مجموعه و دیگر چهارطاقی‌های منطقه از جمله چهارطاقی گنبد، تل جنگی، خرمایک و غیره دیده شده، وجود آثار سوختگی در سقف تالارها و اتاق‌ها است. همچنین در بعضی از بخش‌ها که این مجموعه‌ها مورد حفاری‌های غیرمجاز قرار گرفته‌اند، لایه‌های سترگی از خاکستر

را می‌توان مشاهده کرد. این مهم گویای این است که این آثار نه به دلخواه و بلکه به اجبار در یک دوره خاص مورد حمله قرار گرفته‌اند و با آتش زدن آنان موجب از بین رفتن آثار و چهارطاقی‌های این منطقه توسط اقوامی با فرهنگ جدید شده‌اند، البته تنها راه اثبات این نظریه انجام کاوش در تمامی این مجموعه‌هاست.

مجموعه چهارطاقی نقاره‌خانه، اثری متعلق به دوره ساسانیان است که بین قرن‌های ۴ تا ۹ میلادی مورد استفاده پیروان و موبدان دین زرتشتی قرار می‌گرفته است. حتی در دوران اسلامی نیز این مجموعه همانند بناهای همجواری در منطقه به زندگی خود ادامه می‌دهد که در تاریخی نامعلوم در اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ میلادی مورد تهاجم و آتش‌سوزی قرار گرفته است.

سپاسگزاری

این پژوهش بخشی از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی باستان‌شناختی و تحلیل پراکنش چهارطاقی‌های دوره ساسانی غرب استان فارس» است که با حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، توسط نگارندگان به انجام رسیده است. بر همین اساس سپاسگزار حمایت و پشتیبانی علمی این دانشگاه، به ویژه جناب دکتر تیموریان هستیم.

منابع*الف) فارسی*

آمیه، پیر، ۱۳۸۴، *تاریخ ایلام*، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

اکبرزاده، داریوش و محمود طاووسی، ۱۳۸۵، *کتیبه‌های فارسی میانه*، تهران: نشر نقش هستی.

ایتینگهاوزن، ریچارد و اولگ گرابر، ۱۳۸۱، *هنر و معماری اسلامی ۳*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.

رضوانی، حسن، ۱۳۸۴، *گزارش کاوش نجات‌بخشی محوطه سد شیان*

صص ۷۷-۸۸

کرمانشاه، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

مرادی، یوسف، ۱۳۸۸، چهارطاقی میل میله‌گه، آتشکده‌ای از دوره ساسانی، *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، شماره نخست، سال اول، بهار و تابستان، صص ۱۵۵-۱۸۵.

طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۴، *تاریخ الرسل و الملوک یا تاریخ الامم و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.

وندائی، میلاد، ۱۳۹۰، زرتشت، همدان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۴، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نشر نگاه.

ویدن گرن، گئو، ۱۳۸۱، هنر مانوی و زرتشتی، تاریخ هنر ایران ۳، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.

گدار، آندره، ۱۳۸۷، *آثار ایران*، ترجمه ابولقاسم سرو مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس.

هرتسفلد، ارنست، ۱۳۸۱، *ایران در شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محمدی‌فر، یعقوب و عباس مترجم، ۱۳۹۰، جولیان: آتشکده نویافته ساسانی در آبدانان ایلام، *مجله باغ نظر*، سال هشتم، شماره نوزدهم،

(ب) غیرفارسی

Dresden, M., 1966, *Dēnkart*, Wiesbaden.Miroschedji, P. de., 1980, Un *chahār-tāq* dans la plaine de Darab, IRAN, Vol. XVIII, pp. 157-60.Godard, A., 1938, Les monuments du feu, *Athar Iran*, Vol. III, pp.7-80.Rawlinson, H. C., 1841, Notes on a Journey From Tabriz through Persian Kurdistan, to the Rains of Thakhti Soleiman, and From thence by Zanzan & Tarom, to Gilan, in Oct, and Nov 1938, *JRGS*, Vol. 10, pp.1-64.Hardy, A., 1938, Le monument de Neisar, *Athar Iran*, Vol. III, pp.163-166.Schippmann, K., 1971, *Die Iranischen feuerheiligtümer*, Walter de Gruyter, Berlin & New York.Huff, D., 1971, Qaḷ'a-ye Dukhtarbei Firuzabad, Ein Beitrag zur sasanidischen Palastarchitektur, *Archäologische Mitteilungen aus Iran (AMI)*, Band 4, pp. 127-71.Siegler, K., Wunderlich, H. G., Albercht, G., & Rombock, V., 1973, *Restauration des Palas Sassanides de Kaleh-Dokhtar, Firouzadet Sarvistan*, Unesco, paris.

———, 1974, Sasanian Char-Taqs in fars, *Proceedings of the 3rd Annual Symposium on Archaeological Research held in Iran*, Bagherzadeh, F., (Ed.), pp: 243-254, Tehran: Muzeh-e Iran-e Bastan, Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research.

Starr, R., 1939, *Nuzi, Report on the Excavations at Yorgan Tepe near Kirkuk, Iraq*, Cambridge, Massachusetts.

———, 1983, Takht-i Suleiman, *Archiv für Orientforschung*, 29-30, pp. 293-95.

Stein, A., 1936, An Archaeological Tour in the Ancient Persis, *IRAQ*, Vol. 3, No. 2, pp. 111-225.

———, 1989, *BĀZA-KŪR*, Originally Published: December 15, 1989, Last Updated: December 15, This article is available in print., Vol. IV, Fasc. 1, p. 20.

Stronach, D., Roaf, M., Stronach, R., & Bökönyi, S., 1978, Excavations at Tepe Nush-i Jan, *IRAN*, Vol. XVI, pp. 1-28.

———, 1990, ČAHĀRTĀQ, in: *Encyclopaedia Iranica*, pp. 634-642, Yarshater, E., (Ed.), Vol. IV, Fasc. 6.

Trudy, S. K., Lawrence, B., & Robert, K., 1978,

Kuh-e Khwaja Iran, and Its Wall Paintings: The Records of Ernst Herzfeld, *Metropolitan Museum Journal*, Vol. 22, pp. 13-52.

Vandae, M., & Jafari, M. J., 2012, Siāh-Kal: A Newly Discovered Chahar Taq in Zarneh of the Ilam Province, *Sasanika Archaeology*, Vol. 11, pp.1-14.

—————, Tajbakhsh, R., & Maghsoudi, R., 2012, Sassanid Fire Temple Discovered in Ardašīr Khore, Pars, *Journal of American Science*, Vol. 11, pp:105-114.

Vanden Berghe, L., 1961, Récentes découvertes de monuments sassanides dans le Fārs, *Iranica Antiqua*, Vol. I, pp. 163-98.

—————, 1968, Les Ruines de Bihisht a Duzakh a Sultanabad, *Iranica Antiqua*, Vol. VIII, pp.94-105.

—————, 1977, Les Chahartaqs du Pusht-I Kuh, *Iranica Antiqua*, Vol. XII, pp. 175-77.

—————, 1984, Le Chahārtāq de Qanāṭ-I Bāgh (Fārs) et l'Inventaire des Chahārtāqs en Irān, *Iranica Antiqua*, Vol. XXIX, pp. 201-20.

تصاویر



تصویر ۱: I- چهارطاقی قنات باغ، II- چهارطاقی نیاسر، III- آتشکده آتشکوه، IV- چهارطاقی بازه هور (عکس از نگارندگان).



تصویر ۲: نحوه دسترسی و موقعیت قرارگیری چهارطاقی نسبت به شهر فراسبند (Google Earth).



تصویر ۳: چهارطاقی نقاره‌خانه با دیدی از داخل اتاق‌های طبقه دوم (عکس از نگارندگان).



تصویر ۴: طبقه چهارم و چهارطاقی از سمت جنوب شرقی (عکس از نگارندگان).



تصویر ۵: دیوارهای حصار شمالی، مجاور به طبقه نخست (عکس از نگارندگان).



تصویر ۶: آثار رج دیوارهای به جا مانده در طبقه نخست (عکس از نگارندگان).



تصویر ۷: بخش‌هایی از اتاق‌های نیمه‌سالم در طبقه دوم (عکس از نگارندگان).



تصویر ۸: دید اتاق‌های طبقه دوم از زیر گنبد چهارطاقی (عکس از نگارندگان).



تصویر ۹: سنگ فرش حیاط در طبقه سوم (عکس از نگارندگان).



تصویر ۱۰: آوار دالان‌ها و اتاق‌های طبقه سوم بر روی یکدیگر (عکس از نگارندگان).



تصویر ۱۱: تنها بخش نیمه سالم و ورودی تالار طواف پیرامون چهارطاقی در ضلع غربی (عکس از نگارندگان).



تصویر ۱۲: پایه چهارطاقی در ضلع جنوب غربی (عکس از نگارندگان).



تصویر ۱۳: وضعیت فیله‌پوش مرمت شده در زیر گنبد (عکس از نگارندگان).



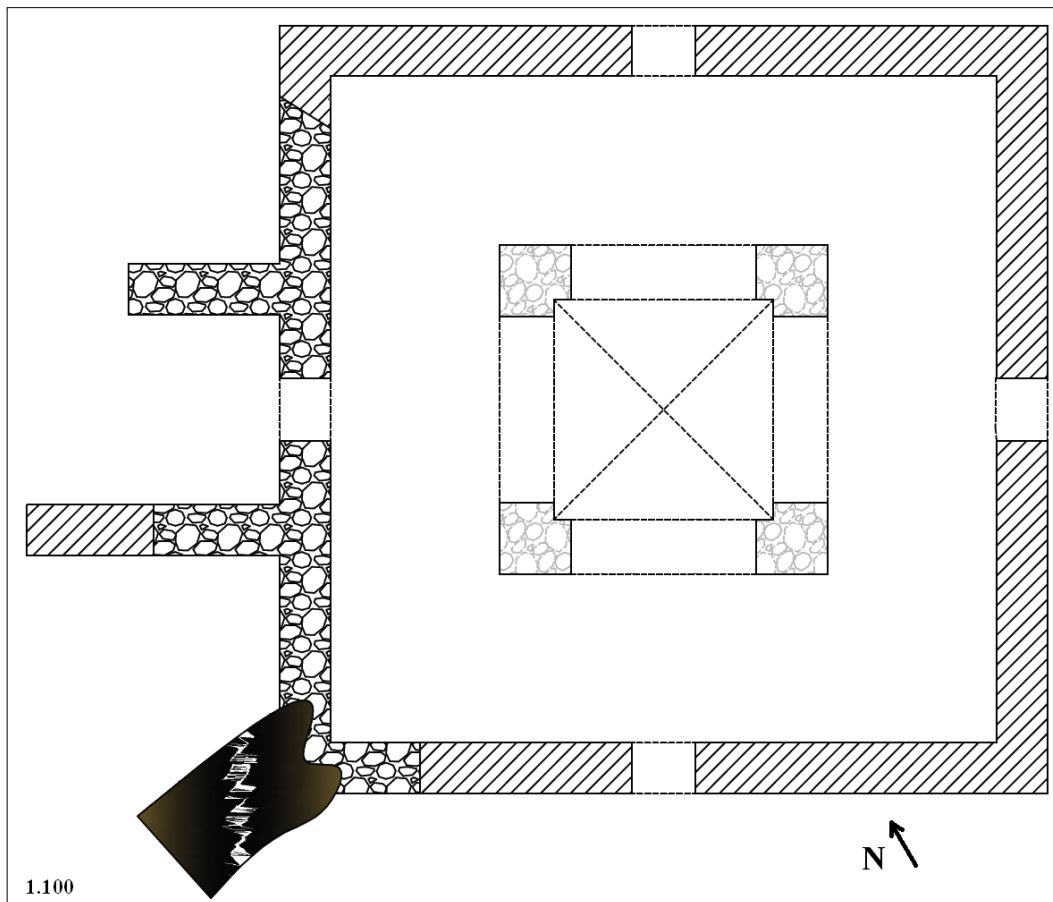
تصویر ۱۴: زیر گنبد چهارطاقی، مرمت شده با مخلوط سیمان و آب (عکس از نگارندگان).



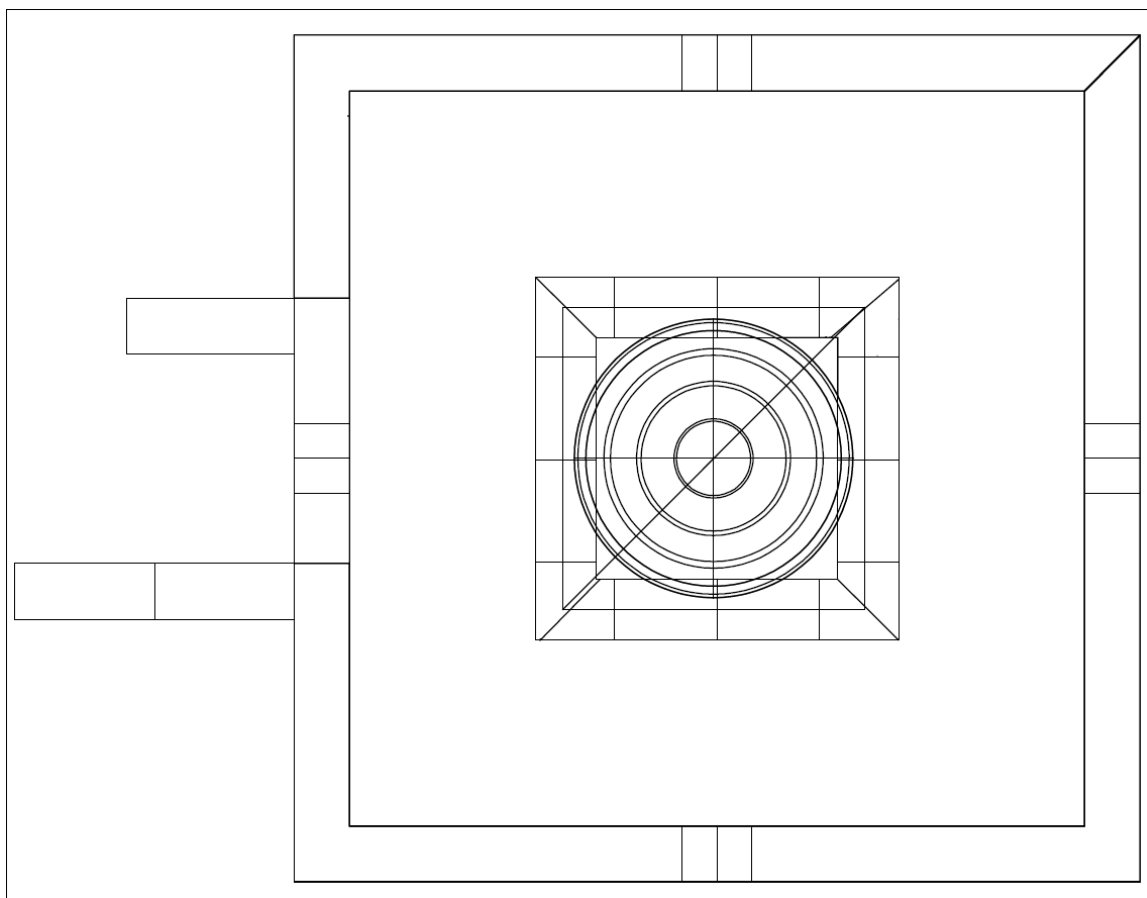
تصویر ۱۵: گنبد چهارطاقی متشکل از سه طبقه (عکس از نگارندگان).



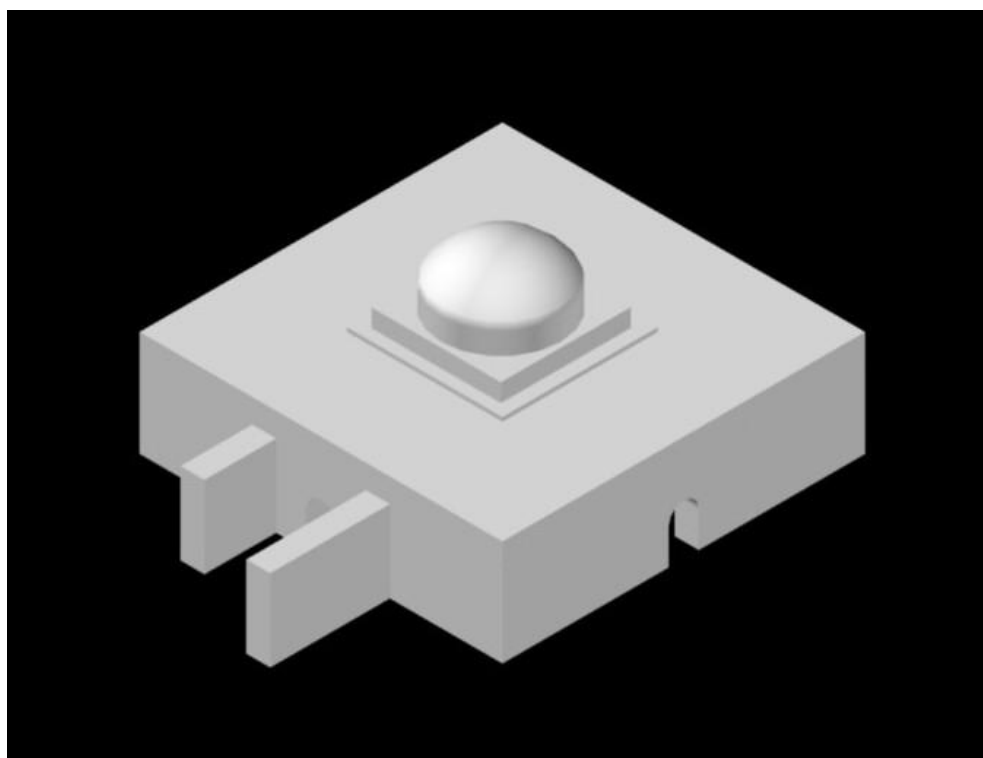
تصویر ۱۶: سفال‌های بدست آمده از دوره ساسانی و قرن‌های اولیه اسلامی (عکس از نگارندگان).



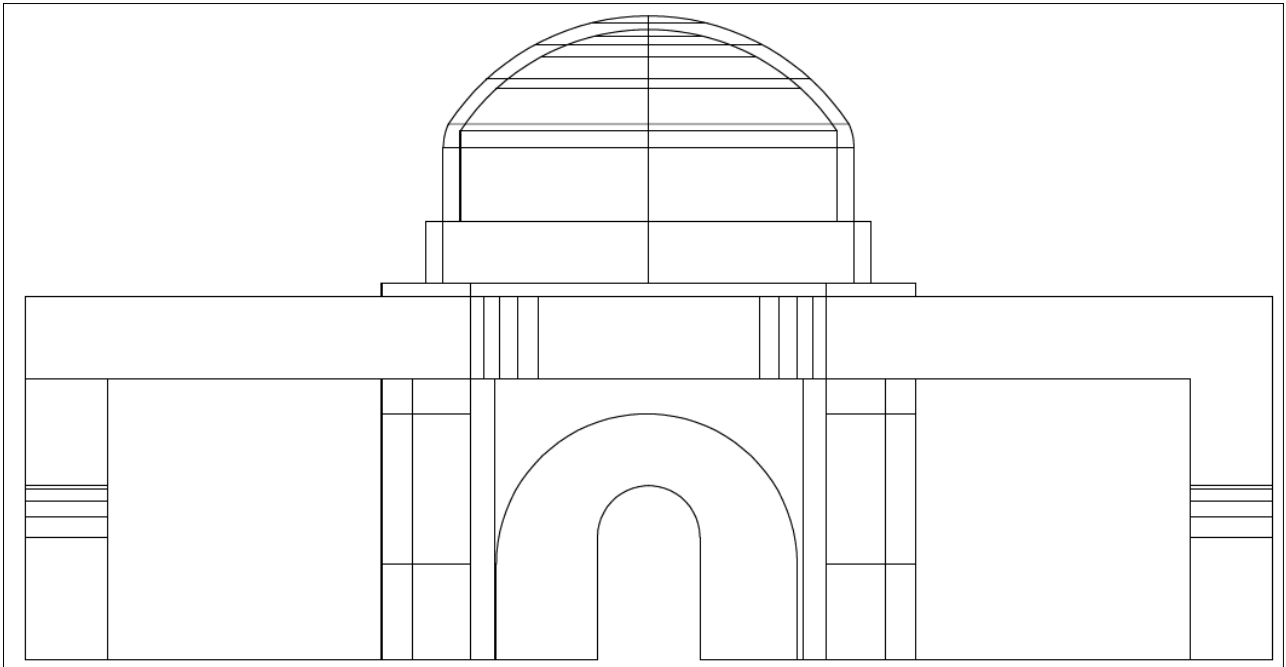
نقشه ۱: پلان بازسازی شده طبقه چهارم (نقشه از نگارندگان).



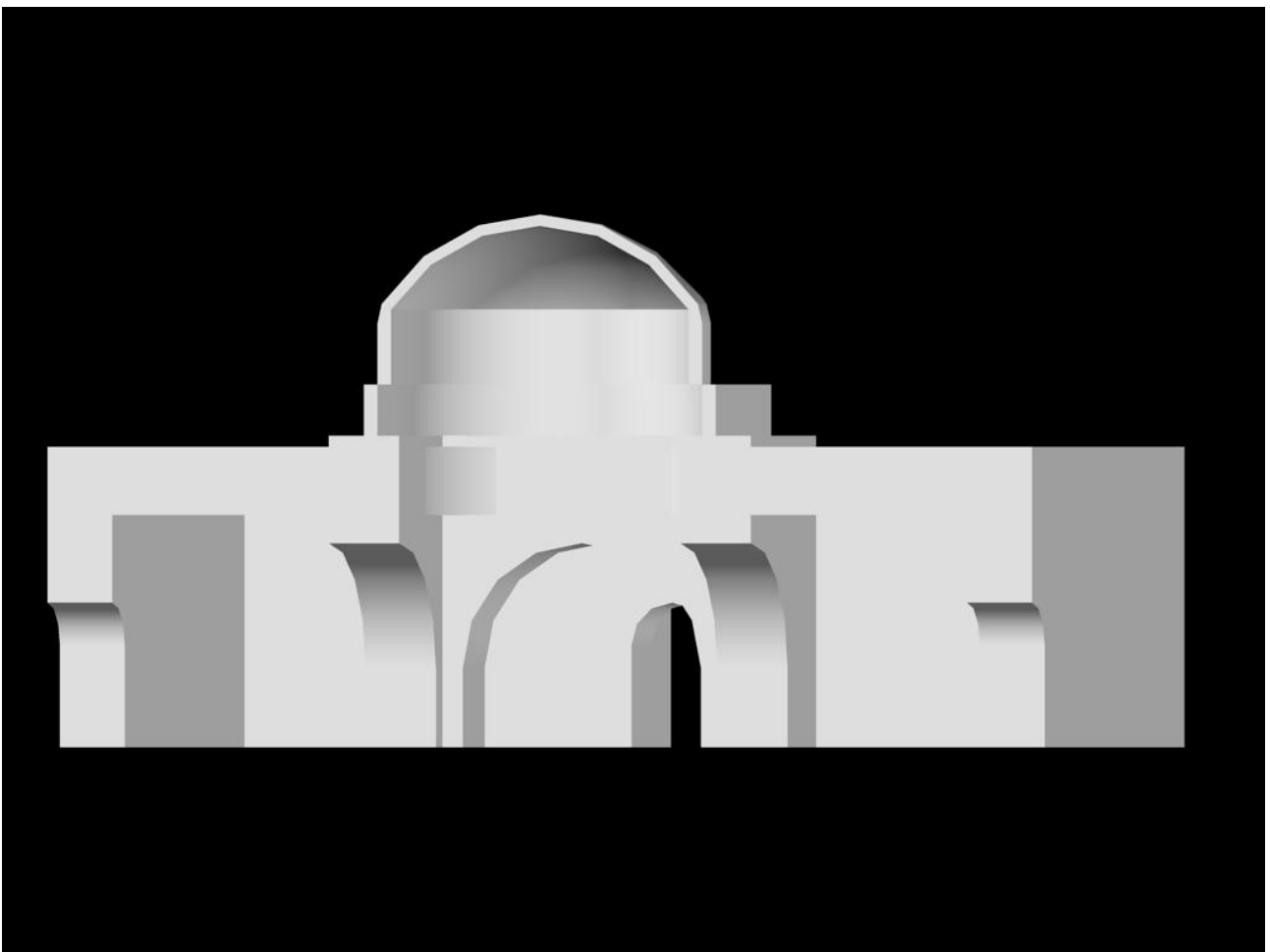
نقشه ۲: برش عرضی چهارطاقی و تالار طواف دورتادور آن (نقشه از نگارندگان).



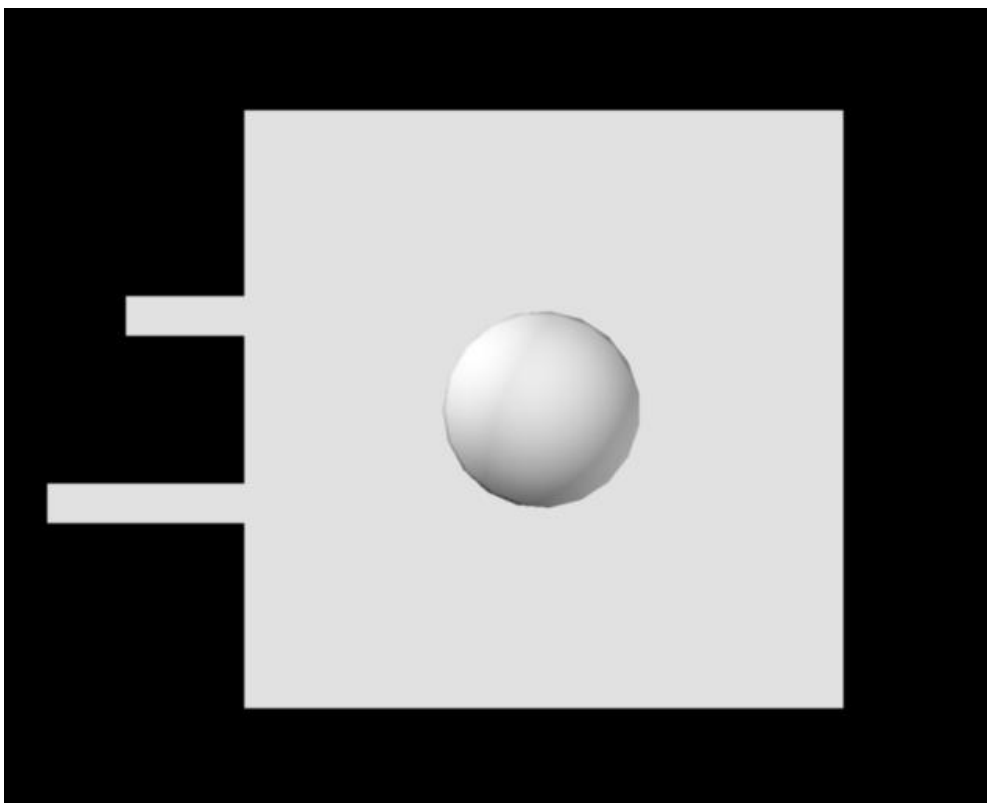
شکل ۱: بازسازی سه بعدی تالار طواف به همراه چهارطاقی (شکل از نگارندگان).



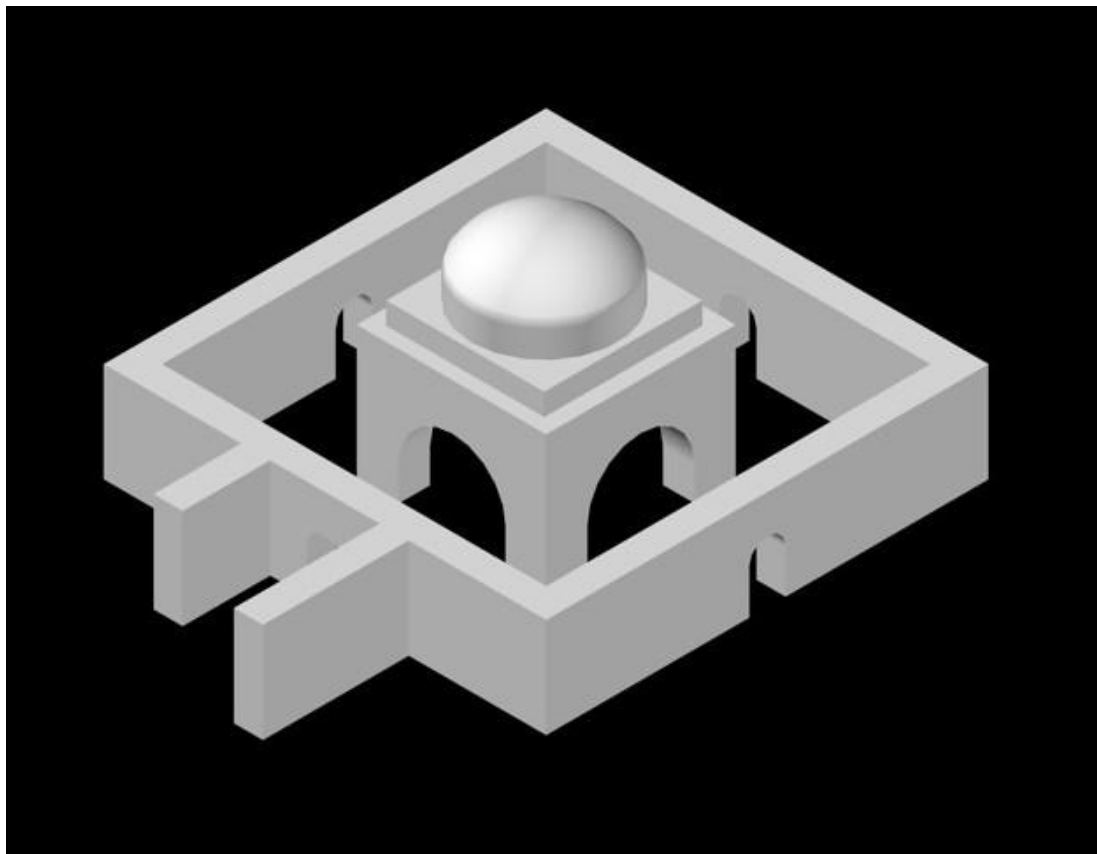
نقشه ۳: برش طولی چهارطاقی (نقشه از نگارندگان).



شکل ۲: بازسازی سه بعدی مجموعه و برش طولی از مجموعه (شکل از نگارندگان).



شکل ۳: بازسازی سه بعدی مجموعه با دید از سقف (شکل از نگارندگان).



شکل ۴: بازسازی سه بعدی مجموعه شامل تالار طواف و گنبد (شکل از نگارندگان).